

بررسی تاثیر متقابل روابط اجتماعی و کالبدی در مجموعه های همسایگی

نمونه موردی: شهر یزد

زینب انجمنی^۱

^۱ عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فیض الاسلام، اصفهان، خمینی شهر

z_anjoman@yahoo.com

چکیده:

بحث پیرامون تعریف محیط از جمله مسائل همواره مطرح و مشترک بین رشته های مختلف بوده است. متخصصان هر رشته تعریفی از محیط ارائه داده اند، اما نقطه مشترک در همه این تعاریف این است که محیط در برگیرنده انسانهاست و نمی توان آن را بدون در نظر گرفتن انسان و نیازهای فردی و اجتماعی وی توصیف یا تفسیر نمود. به علت در هم تنیدگی محیط کالبدی و محیط اجتماعی، مولفه های رفتار اجتماعی افراد و احساس امنیت آنها در فضای اجتماعی، تحت تاثیر عوامل محیطی است.

این امر به خصوص در مجموعه های مسکونی اهمیت ویژه می یابد. تقویت روابط همسایگی از طریق ساختار فیزیکی محیط می تواند موجب تقویت نظارت افراد بر محیط زندگی خویش شود و علاوه بر افزایش احساس تعلق اجتماعی افراد، احساس تعلق مکانی را نیز در ایشان افزایش دهد.

در بافت سنتی ایران، محیط کالبدی برگرفته از محیط اجتماعی مردم و در هماهنگی کامل با خواست ها و نیازهای آن بود به نحوی که این امر نقش اصلی در پیشگیری از بسیاری آسیب ها و ناهنجاریهای محیطی داشت. در واقع روابط اجتماعی پیوسته میان ساکنین محله به نوعی نظارت موثر بر انواع فعالیت ها را فراهم می آورد و این امر منجر به تعاملی پیوسته میان محیط کالبدی و محیط اجتماعی محله می گردید.

در این پژوهش با توجه اهمیت تامین نیازهای اجتماعی انسان در محیط های مسکونی و با الگوگیری از معماری سنتی، سعی می شود با دیدگاهی بین رشته ای به مقتضیات اجتماعی و کالبدی یک مجموعه همسایگی که بتواند تقویت کننده روابط اجتماعی افراد باشد، پرداخته شود.

واژگان کلیدی: محیط کالبدی، محیط اجتماعی، همسایگی، حس مکان، حس اجتماع، تعاملات اجتماعی